

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Political and Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

سیاسی و ادبی – فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – 7 دسمبر 2010

از عاشقان زبان پشتو تا دشمنان زبان پشتو

و

ذکری خیر از یک افغان خیر

صبح مردان، که صفحه امروزی پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" را باز کردم، چشم به نوشته دلسوزانه و پر مهری روشن گردید. خواننده ارجمند پورتال و همکار گرانقدر آن از متن و بطن وطن ما – "کابل نازنین" – سطری چند نوشته و مقاله دیروزی بنده را زیر عنوان "دوزبانگی پشتونان افغانستان" مورد نوازش و قدردانی قرار داده اند. مرادم از همان افغان عاشق افغانستان و دلداره مردم دوست داشتی آنست، اعنی "احمد شاه جان وردگ"، که از قلب پر تپش افغانستان مینویسند و چه با عشق و دلسوزی و چه محبانه مینویسد.

به استحضار این برادر هر دل عزیز خود میرسانم که:

پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مُنادی، مُبلغ و مُدافع سرسخت استقلال، عشق وطن و وحدت ملی باشندگان خاک پاک ماست. این پورتال به منظور مبارزه با مظاهر شوم و خانه براندازی که همین حالا بر افغانستان عزیز حاکم و طاری گردیده، به وجود آمده است. "قد علم کردن" به مقابل و بضد تفرقه افگنیها و تبعیض طلبیها، و مبارزه بی امان تا انهدام کامل آنها، از ارکان رکن و اساسات اولین خط مشی این پورتال است. یقین دارم که آن برادر ارجمند خط و اهداف نشراتی پورتال ما را از نظر خود گذشتانده است. بخطا نمیروم اگر بگویم:

عزیزانی که با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" دست همکاری میدهند، این کار را کاملاً آگاهانه و از صدق دل میکنند؛ یعنی بعد از آن که خط مشی و اهداف نشراتی آن را بدقت خوانده و از دل و جان پذیرفتند. ما متیقن هستیم که افغانان آزادیخواه و شیفته و خادم افغانستان و مردم ستدیده آن، صفحات پورتال را بستر برآورده شدن آمال و امیال خود میدانند. آزادگان وطنخواه و مردم پرست، راهی دیگر ندارند، مگر اینکه خود را با افکار و اعمال پورتال همنا بسازند و در راهی که برگزیده ایم و تا پای جان بر آن استوار خواهیم ماند، ما را همراهی کنند. یقین واثق دارم که بر تعداد پویندگان راه پورتال هر روز و هر آن و هر لحظه افزوده میشود و روزی که خاک مرا باد برده باشد، پورتال چون دریائی خروشان صراط المستقیم خود را خواهد پیمود و موانع را از سر راه، خواهد زدود!!!!!!

در ذیل مقاله دیگری را که به تاریخ چهاردهم نومبر 2007 در عین سلک و ارتباط نگاشته شده و در پورتال همان وقت "افغان جرمن آنالین" نشر گردیده بود، از بین منها و تنها(1) آرشیف بیرون آورده و با آرایشی جدید از حضور اشرف خوانندگان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میگذرانم.

البته نوشته احمد شاه جان وردگ نکاتی را هم در بر میگیرد، که ایجاب نوشته ای مستقل را میکند و ان شاء الله بزودی بدان پرداخته خواهد شد.

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - 14 نومبر 2007

از عاشقان زبان پشتو تا دشمنان زبان پشتو

سبستیان هاینه میگوید:

آرزومندم که فرزندانم مرا "پلار" صدا کنند!!!

وقتی مقاله « Student, 22, kann 35 Sprachen » نوشته Martin Koch را از Spiegel Online "شیپگل آنالین" ترجمه نموده و زیر عنوان "محصل 22 ساله ، 35 زبان یاد دارد"(2) در پورتال همان زمان "افغان جرمن آنالین" و چند سایت دیگر افغانی به نشر سپردم، بر خود لازم دیدم که بدین تقریب استثنائی ولی بیحد ارزنده و مهم سطری چند بنویسم و تقدیم وطندارانم بکنم.

راستی فکر میکردم که چشمانم غلط می بینند و یا ذهنم قوه درک و اخذ خود را از دست داده، وقتی خواندم که یک اروپائی عاشق و شیفته و واله یکی از دو زبان رسمی و ملی وطنم - یعنی زبان ارجمند "پشتو" - گردیده است. با خود گفتم :

یا للعجب که یک بیگانه، دوست دلباخته و گرویده این زبان گردیده است، در حالی که تعدادی از هموطنانم یک رنگ و پیوسته در صدد توهین و استهزاء و استحقار و حتی تخریب آن برخاسته اند؟؟؟

به همان اندازه که عشق و شیفتگی و محبت یک بیگانه - بیگانه از فرهنگ و بیگانه از همه چیز ما - به زبان عزیز پشتو غیرقابل درک است، به همان اندازه باورنکردنیست که هموطنانی پیدا کردند که با یک زبان بزرگ مملکت خود و با زبان یک قوم بزرگ کشور خود - که بزرگترین قوم این آب و خاک پاک است - برخورد خصمانه و عنودانه نمایند. راستی باور انسان نمی آید که چرا چنین انسانانی پیدا کردند، که با یک "زبان" عناد ورزند!!!! مگر یک زبان میتواند مقصر و گناهکار باشد؟؟؟ من می گویم، که هیچ زبانی درین دنیای سراسر شور و شر سراغ نمیگردد، که جوابده و مسؤول کوتاهیها و نارسائیهای یک جامعه و ملت و قوم باشد. وقتی که چنین است، چرا باید با زبانی دشمنی ورزیده شود؟؟؟ دشمنی ورزیدن با یک زبان هیچ اساس منطقی و انسانی ندارد، و فقط از عواطف و احساسات معوج و ناسخته "کج اندیشان" و "انحراف پیشگان" برمی خیزد :

گاه میگویند که "زبان پشتو" فقیر است و گاه اصطلاحات خودساخته و مسخره آمیز "سر چوک" (3) را، به نام این زبان ارجمند وطن قلمداد میکنند. گاه این کار را میکنند و گاهی آن کار را و از همه این کارها هدفی دیگر جز این ندارند، که این زبان بزرگ را خرد و کوچک و کم ارزش نشان بدهند. اینان بی خبر اند از اینکه این همه

کارهای خام و نافرجام، خودشان را خرد و حقیر و منحط میسازد و بر زبان و "شخصیت زبان" مورد تنفرشان کوچکترین اثری ندارد. از نگاه علم زبان - همانا "زبان‌شناسی معاصر" - هیچ زبان دنیا فقیر و زبون نیست؛ حتی زبان بومیان امریکای لاتین، "هندیهای امریکائی" - سرخپوستان و اپاچیها - و یا زبان ابوروچیهای آسترلیا. چون اهل این زبانها تمام احتیاجات مکالمه و افهام و تفهیم خود را با همین زبانهای بظاهر "ابتدائی" و "انکشاف نیافته" برآورده ساخته میتوانند، درست و عیناً بمانند اینکه یک انگلیس و یک فرانسوی و یک روس و یک المانی و یک عرب و یک دری زبان، با زبانهای انگلیسی و فرانسوی و روسی و المانی و عربی و دری، همه احتیاجات مکالموی و تبادل افکار خود را برطرف ساخته میتوانند.

با شرحی که گذشت بدین نتیجه می‌رسیم، که این هموطنان ما به زبان "پشتو" به حیث یک "زبان" دشمنی ندارند، بلکه دشمنی ایشان با گویندگان این زبان است، و چون ایشان در کابوس ترسناک "قوم پرستی" فرو رفته و "عفریت زده" ازین پهلوی بدان پهلوی غلتند، انتقام "قوم" را از زبانش میگیرند!!!!!!

بسیار قابل تعجب است که :

در یک طرف شخصی دانشمند نظیر آقای "سبستیان هاینه" را می‌بینم، که برخاسته از علم زبان و پرورده شده در محیط علمی یک پوهنتون اروپائی به زبانهای مختلف جهان عشق میورزد و از بین 35 زبانی که آموخته، زبان "پشتو" را "عزیز دل" خود ساخته است. و در طرف دیگر کسانی را می‌بینم که در مدارس "تعصب" و "تنفر" و "کینه" و "رشک" و "حسد" و صدها ناروایی دیگر، پرورده شده اند و در عالمی دور از دانش و فرسنگها دور از "دانش زبان"، "خدای پجات" (4) و خالصاً به زبان عزیز پشتو عناد میورزند. بلی؛ وقتی دو طرف را می‌بینم و به اصطلاح تول و ترازو می‌کنم، دلم میشود که بی‌محابا به حال هردو دعای خیر بکنم :

- به حال اولی که خدایش "بی تعصب" و "دور از کینه و تنفر" بار آورده است!!!!

- و به حال دومی که خداوندش به راه راست و صراط مستقیم هدایت کند و از درد و رنج و عذاب تعصب و تنفر و کینه و حسد و ... نجاتش بخشد.

از دوستی که اخیراً با "سبستیان هاینه" در تماس آمده بود شنیدم، که آرزوی قلبی این عاشق دلباخته "زبان پشتو" را باز می‌گفت. می‌گفت :

« سبستیان هاینه آرزو دارد که با یک دختر افغان پشتون ازدواج نماید و از وی صاحب فرزندی شود، که هر صبح و شام پدر خود را "پلار" صدا کنند.»

توضیحات :

1 - "منها" جمع "من" است که واحد سابق وزن در وطن ما و معادل "هشت سیر کابل" و یک دهم یک "خروار" بوده است. و "تنها" جمه "تن" است که واحد وزن فرنگی معادل یک هزار کیلوگرام است.

2 - سبستیان هاینه Sebastian Heine محصل المانی "پوهنتون بن" - "بن" یعنی مرکز سابق المان فدرال - است که در رشته زبان‌شناسی تحصیل کرده و 35 زبان را آموخته است. برای معلومات بیشتر به مقاله دیروزی بنده زیر عنوان "محصل 22 ساله، 35 زبان را یاد دارد" در صفحه مؤرخ ششم دسمبر 2010 پورتال "افغانستان آزاد

– آزاد افغانستان" مراجعه گردد. معنومدار اين مقالات نيز بمانند همه مقالات ديگر پورتال در آرشيفهاى مختلف و از جمله در آرشيفهاى نويسندگان، هميشه قابل دسترس اند.

3 – "سر چوک" بازار معروف و مزدحم کابل و در نزديکى "مسجد پل خشتى" بوده، که هنوز هم همان محله در زبان عوام به "سر چوک" مشهور است. در زمانهاى که از ترس حکومت مستبد و جابر، کس زبان خود را شور داده نمىتوانست، "سر چوک" مرکز بزرگ پخش هرنوع خبر راست و دروغ گرديده و گویا وظیفه "آژانس خبررسانى" را به عهده گرفته بود. اکثر اخبار مگر جنبه "افواه" و "آوازه" را داشت و از واقعيت فرسخها دور مى بود. از همين رو در اصطلاح مردم کابل "خبرهاى سر چوک" به اخبارى گفته مىشد، که هيچ پايه استوار نداشتند و قابل اتقان و اطمینان نبودند. در هر صورت "سر چوک" مرکز عام پخش اخبار روز بود و وقتى یک بار خبرى در سر چوک به دوران مى افتيد، به سرعت برق در سراسر کابل مى پيچيد.

4 – "خداى پجات" اصطلاح عاميانه پشتو است که شکل ادبىش "د خداى په جهت" يعنى "به جهت خدا" (از براى خدا – محضاً لله) است. البته در زبان گفتار عوام "به جهت خدا" را "به جات خدا" تلفظ مىکنند، چنان که گدايان حين سؤال کردن و تکدى، بجاى بلند گویند :

« به جات خدا خير کنين !!! »